

Agreement and Disagreement on Components of National Identity and Its Implications for Iranian Educational System

Mahdi Loghmannia, Ahmad Khamesan, tayebe ahmadi yegene

¹Assistant Professor, Department of Psychology, Chabahar Branch, Azad University, Chabahar, Iran

²Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Azad University, Birjand, Iran

³Instructor, Department of Psychology, Chabahar Branch, Azad University Chabahar, Iran

Abstract

It is essential for National identity (NI) to be given utmost importance in order to deepen and internalize it in educational systems. Thus, this research investigated the components of Iranian NI and its implications for Iranian educational system. In addition, a review on researches is presented and studied. This was a meta-analytical research and the data were collected through library method. 43 books and 46 dissertations and theses were analyzed. Thirty eight components were identified in theses and dissertations. 79.65% of the components were repeated only once or twice. In the related books, 48 components were named for NI. 70.83% of the components were repeated only once. The differences on the components of NI showed there was not an agreement on the components of Iranian NI. Also, the review of components of Iranian NI in the educational objectives showed there is a lack of sufficient collectivity and integrity. These results show insufficient attention paid to components of Iranian NI in educational objectives. The objectives need to be revised. In addition, the results of a survey on the research about NI in schools' textbooks, showed the components were selected based on personal taste rather than scientifically reliable criteria. The results show a meta-disciplinary and comprehensive approach is needed to determine the components of NI.

Key Words: Identity, National Identity, Components of National Identity, Cumulative Identity, Goals of Educational System, Curriculum

توافق و عدم توافق در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران

مهدی لقمان نیا^{*}، احمد خامسان، طیبه احمدی یگانه

^۱مربی گروه آموزش ابتدایی، واحد چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی، چابهار، ایران

^۲استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۳مربی گروه علوم تربیتی، واحد چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی، چابهار، ایران

چکیده

با توجه به اهمیت هویت ملی، به لحاظ وحدت و انسجام ملی و با توجه به نقش آموزش و پرورش در جامعه پذیری، لازم است به تعمیق هویت ملی در این نظام اهمیت زیادی داده شود. هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان توافق و عدم توافق در مورد مؤلفه‌های هویت ملی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران است. روش تحقیق از نوع فراتحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. همه کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با هویت ملی به عنوان جامعه آماری و نمونه برابر با جامعه آماری در نظر گرفته شد. نتایج داده‌های حاصل از ۴۳ کتاب و ۴۶ پایان‌نامه نشان داد که در پایان‌نامه‌ها، ۳۸ مؤلفه برای هویت ملی مشخص شده که از این تعداد ۶۵/۷۹٪ تنها یک یا دو بار تکرار شده است. در کتب مرتبط با موضوع نیز، ۴۸ مؤلفه آورده شده که از این تعداد ۷۰/۸۳٪ از مؤلفه‌ها تنها یک بار تکرار شده است. این پراکندگی در مؤلفه‌ها نشان داد که بر خلاف تصور رایج، میان مؤلفه‌های هویت ملی در ایران توافق کلی وجود ندارد و هر یک از صاحب نظران از دیدگاه خود مؤلفه‌هایی را در نظر گرفته‌اند. همچنین بررسی مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف نظام آموزش و پرورش نمایانگر این بود که مؤلفه‌ها در کتاب‌های درسی فاقد یکپارچگی بوده، همه جنبه‌ها را در بر نمی‌گیرد. نتایج بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون هویت ملی در کتاب‌های درسی سه مقطع نیز نشان داد که ذکر مؤلفه‌ها بدون استفاده از منبع خاص و با توجه به نظر شخصی بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌ها جهت تعیین مؤلفه‌های هویت ملی با نگرشی فرارشته‌ای اقدام شود.

واژگان کلیدی: هویت، مؤلفه‌های هویت ملی، هویت ملی، اهداف نظام آموزشی، تحلیل محتوا، نظام آموزش و پرورش

مفهومی دو وجهی است که هم‌زمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد. یعنی وقتی از هویت ملی سخن به میان می‌آید، منظور ویژگی‌هایی است که به موجب آن یک ملت مورد شناسایی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، از دیگر ملت‌ها جدا می‌شود. بنابراین، تلاش در جهت رشد و تقویت هویت ملی از نیازهای اصلی و اساسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. از آن جایی که بیشترین نیرو و سرمایه انسانی در نظام آموزش و پرورش مشغول به تحصیل‌اند، این امر فرصتی مناسب و مقتضی در جهت اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشیدن به فراگیران در مورد این مبحث مهم است تا در نهایت بتوان این آگاهی و بینش را عمق بخشیده و در باورهای افراد، آن را پرورش داد. بسیاری از کشورها گام‌های مؤثری در این راستا برداشته‌اند که می‌توان به پارمنتر (Parmenter, 1999) در کشور ژاپن؛ کیم (Kim, 2004) در برنامه درسی کره؛ فونتسوگ (Phuntsog, 1994) در تبت و همچنین نروژ، آمریکا، سریلانکا، اندونزی، مالزی، فلسطین اشغالی، نیوزلند، سیرالئون، آلمان و غنا اشاره نمود (لقمان نیا و خامسان، ۱۳۸۹).

هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان توافق و عدم توافق پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران است. نظام آموزش و پرورش در هر کشوری یکی از بهترین راه‌های تحکیم و تقویت هویت ملی است. این نظام از ارکان و عناصر متعددی تشکیل شده است که در ارتباط با یکدیگر و در راستای رسیدن به اهداف متعالی تعلیم و تربیت تلاش هماهنگ و یکپارچه‌ای را انجام می‌دهند. از میان ارکان و عناصر مختلف این نظام، برنامه درسی - به ویژه - اهداف آموزشی - مورد توجه این مقاله است.

برنامه درسی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام آموزش و پرورش، در شکل‌گیری هویت ملی نقشی محوری ایفا می‌کند. سیلور، الکساندر و لوئیس معتقدند که برنامه درسی «طرحی است جهت آماده کردن مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم» (به نقل از خوی نژاد، ۱۳۸۰). تن ساز و قورچیان (۱۳۷۴) نیز برنامه درسی را «فرایند مفهومی کردن پدیده‌های مربوط به انسان و جهان در یک قالب موزون جهت تسهیل در یادگیری» تعریف

هویت از دیرباز، یکی از مباحث مهم بوده و امروزه نیز نه تنها نقش خود را حفظ نموده بلکه از اهمیت بیشتر و پیچیده‌تری برخوردار شده است. کلمه هویت از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ذات باری تعالی و آنچه موجب شناسایی شخص است» به کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱). این واژه در اصطلاح علمی به معنای چیستی شناسی و کیستی شناسی است.

هویت دارای انواع، سطوح و سلسله مراتب مختلفی است، اما در یک دسته بندی کلی می‌توان دو نوع هویت را از یکدیگر متمایز کرد. اول، هویت فردی، یعنی همان چیزی که فرد به واسطه ویژگی‌ها، خصوصیات یگانه و منحصر به فرد خود مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در عین حال از دیگران متمایز می‌شود. نوع دیگر هویت، هویت جمعی است که عبارت است از «تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان ما از ماهای دیگر جدا می‌گردد» (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳). یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، هویت ملی است که نیاز به آن و احساس تعلق، وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورت‌های انکار ناپذیر در هر جامعه‌ای است. امروزه این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده است که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند (Poole, 2003).

«هویت ملی باز تولید و باز تفسیر دائمی ارزش‌ها، نهادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و یا عناصر فرهنگی، امکان پذیر است» (اسمیت، ۱۳۸۳). در واقع هویت ملی اولین شکل هویت قابل حصول برای هر فرد است. این هویت، شالوده اصلی و مقدم بر سایر هویت‌ها است. زیرا از طریق آن می‌توان از هویت‌های دیگر آگاه شد (رهبان، ۱۳۸۱). همچنین احمدی (۱۳۸۳) هویت ملی را مجموعه‌ای از عناصر و عوامل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی می‌داند که جامعه‌ای را از سایر جوامع متمایز می‌کند. به عبارت دیگر هویت ملی

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش فرا تحلیل به شیوه کتابخانه‌ای است. فرا تحلیل برای بازنگری پیشینه موضوعات پژوهشی و کشف روابط جدید در میان تعداد زیادی از پژوهش‌هایی که قبلاً انجام شده است، به کار می‌رود (عابدی، عریضی و محمدزاده، ۱۳۸۵). جامعه آماری شامل همه کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با مبحث هویت ملی است و نمونه آماری نیز برابر با جامعه آماری در نظر گرفته شده است. بنابراین سعی بر آن شد تا بیشتر کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با مبحث هویت ملی - به ویژه مؤلفه‌های هویت ملی - مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بدین منظور برای مطالعه تمامی کتاب‌ها از کتابخانه ملی ایران بدین گونه استفاده شد که واژه هویت ملی به صورت کتاب - عنوان، کتاب - موضوع، کتاب - پدیدآور، مورد جستجو قرار گرفت. همچنین برای دست‌یابی بهتر به همه کتاب‌ها در این زمینه، به دلیل شباهت و نزدیکی واژه هویت ایرانی با هویت ملی، واژه هویت ایرانی نیز بر اساس روند بالا مورد جستجو قرار گرفت. مجموع کل کتاب‌ها در جستجوهای انجام شده ۱۷۴ عنوان کتاب بود که برخی به علت ناهم‌خوانی با موضوع این پژوهش (۹۳ مورد) و برخی دیگر نیز به دلیل یکسانی در نتیجه جستجو (۳۰ مورد) حذف گردید. در نتیجه ۵۱ کتاب در مرحله نهایی انتخاب شد که از این مجموع ۴۳ کتاب با وجود اینکه برخی از آنها هنوز در فهرست کتاب‌های کتابخانه ثبت نشده بود، مورد مطالعه قرار گرفت. ۸ کتاب باقی مانده نیز به علت عدم دسترسی مورد مطالعه قرار نگرفت که از این میان، ۳ کتاب در اولویت بودند و بقیه در اولویت‌های بعدی قرار داشتند. برای دست‌یابی به همه پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع هویت ملی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری، از کتابخانه ملی، کتابخانه استان قدس رضوی، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران و سایت جهاد دانشگاهی استفاده شد. علاوه بر آن به دلیل کامل نبودن پایگاه‌های اطلاعاتی در ایران و برای دست‌یابی بهتر به نتایج، به دانشگاه‌های مختلفی مراجعه شد تا نتایج کامل‌تر و مطمئن‌تری حاصل شود. در کتابخانه ملی ایران ۱۷ پایان‌نامه (۱۴ پایان‌نامه از دانشگاه آزاد و ۳ پایان‌نامه از دانشگاه مازندران)؛ دانشگاه تهران ۸

می‌کنند. برداشت اصلی این مقاله از برنامه درسی بیشتر توجه به دیدگاه سنتی از برنامه درسی دارد. بنابراین منظور از برنامه درسی همان کتاب‌های درسی در مقاطع سه‌گانه نظام آموزش و پرورش است. تمرکز دیگر مقاله بر روی اهداف نظام آموزشی از بُعد پرداختن به موضوع هویت ملی است. هدف‌ها در واقع مقصد نهایی هستند که متخصصان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت آنها را تدارک دیده‌اند و سعی بر آن است تا دانش‌آموختگان به آنچه در اهداف ذکر شده است، دست یابند. هدف‌های مورد نظر مقاله شامل اهداف کلی و اهداف آموزشی است. هدف‌های کلی در سطح بالاتر و با کل‌نگری بیشتری بیان می‌شوند و اهداف آموزشی نسبت به آن اهداف از کلیت کمتری برخوردارند و قابلیت تبدیل به هدف‌های رفتاری در کلاس درس را دارند. اما پیش از تقویت و تعمیق هویت ملی در برنامه‌های درسی و یا گنجاندن آن در میان اهداف، ابتدا باید مؤلفه‌های هویت ملی یا به عبارت دیگر اجزای تشکیل‌دهنده آن را شناخت تا بر مبنای آن بتوان به تحکیم هویت ملی پرداخت. با توجه به پیچیدگی مبحث هویت ملی، شناخت اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن دشوار است. اگر اندیشمندان این حوزه در مورد هویت ملی و اجزای تشکیل‌دهنده آن توافق داشته باشند، راه برای تقویت هویت ملی، به ویژه در نظام آموزش و پرورش، هموارتر خواهد بود. در غیر این صورت، تقویت هویت ملی با چالش‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد. بنابراین سؤال نخست و اساسی این پژوهش این است که آیا به راستی در کشور ما توافقی کلی پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی وجود دارد تا بر مبنای آن بتوان هویت ملی را در نظام آموزش و پرورش تقویت نمود؟ سؤال دوم تحقیق نیز در ارتباط با هویت ملی و اهداف نظام آموزش و پرورش است و عبارت است از اینکه آیا هویت ملی در اهداف نظام آموزش و پرورش رعایت شده است؟ این پژوهش با بررسی آرا و افکار اندیشمندان در جهت پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌کوشد. همچنین در آخرین بخش آن، پژوهش‌های انجام شده پیرامون موضوع هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران که با روش تحلیل محتوا انجام شده، با نگاهی فراتحلیلی و با تمرکز بر روی مؤلفه‌ها، مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است.

درک وجود تناقض در اکثر مباحث هویت ملی، ویژه مؤلفه‌های آن است که برای نمونه به «زبان» اشاره شده است.

علایی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه خود نشان داد که تنها ۲۷/۵٪ از کل دانش‌آموزان منطقه مغان استان اردبیل در محیط آموزشی، زبان فارسی را در کنار زبان مادری خود به کار می‌برند و علاقه به قومیت و زبان مادری به گونه قابل توجهی در میان دانش‌آموزان ترک زبان این منطقه وجود دارد. علاوه بر این، تنها ۱۱٪ از کل معلمان منطقه صرفاً زبان فارسی را در کلاس مورد استفاده قرار می‌دهند، ۲۶٪ به هر دو زبان در کلاس صحبت می‌کنند و ۶۲/۵٪ تنها زبان ترکی را در کلاس بکار می‌برند. باهری (۱۳۸۷) نیز هم‌سو با علایی (۱۳۸۳) نشان داد که زبان فارسی در میان مؤلفه‌های هویت ملی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی استان اردبیل، احتمالاً از جایگاه مورد انتظار برخوردار نیست و در حد متوسط است. بر عکس، نگرش دانش‌آموزان نسبت به زبان ترکی مثبت و در حد بالا است. به طوری که تنها ۱۰/۱٪ پاسخ‌گویان زبان فارسی را به عنوان اولویت اول انتخاب نمودند و ۳۸/۳٪ آن را به‌عنوان مؤلفه هویت ملی انتخاب نکردند. همچنین یکی از نتایج پژوهش احمدلو (۱۳۸۱) نشان داد که جوانان تبریز رابطه متوسطی بین نمرات هویت ملی و زبان و ادبیات فارسی قایل هستند. از سوی دیگر، نتایج تحقیق داوری اردکانی (۱۳۸۴) نمایانگر این است که زبان فارسی برای ۱۷/۸٪ دانش‌آموزان، ۴۹/۸٪ دانشجویان، ۶۰/۲٪ دانشگاهیان و ۷۹/۵٪ فرهنگستانیان، نخستین مؤلفه هویت ملی عنوان شده است. در گروه دانش‌آموزان بیشترین نگرش مثبت در رشته علوم انسانی، در گروه دانشجویان بیشترین نگرش مثبت زبان فارسی در میان دانشجویان علوم انسانی، در گروه دانشگاهیان بیشترین نگرش مثبت در میان استادان مهندسی و در گروه فرهنگستانیان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نگرش به زبان فارسی با سن و تحصیلات پاسخ‌گویان رابطه مستقیم دارد. یعنی با بالا رفتن سن و تحصیلات افراد، نگرش به زبان فارسی مثبت‌تر می‌شود. البته می‌توان به مکان‌هایی که زبان فارسی در آنها مورد سنجش قرار گرفته است به عنوان عامل تفاوت در نتایج این تحقیقات اشاره

پایان‌نامه؛ دانشگاه الزهرا و تربیت مدرس هر یک ۵ پایان‌نامه؛ دانشگاه شیراز ۴ پایان‌نامه؛ دانشگاه بیرجند ۳ پایان‌نامه؛ دانشگاه علامه طباطبایی و فردوسی مشهد هر یک ۲ پایان‌نامه مورد مطالعه قرار گرفت که در مجموع تعداد کل پایان‌نامه‌های مطالعه شده ۴۶ عدد بود.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی در ایران توافق وجود دارد یا خیر؟ نیازمند بررسی آثار و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران کلیدی هستیم. «در مورد مؤلفه‌های هویت ملی باید توجه داشت که در هر عصری به عنصر ویژه‌ای تکیه می‌شود اما آنچه اهمیت دارد توجه هم‌زمان به همه مؤلفه‌ها و پرهیز از یک سویه‌نگری است» (رواسانی، ۱۳۸۳). همچنین هیچ نسخه واحدی که بتوان به وسیله آن هویت ملی را در هر جامعه‌ای مشخص کرد، وجود ندارد (قادری، ۱۳۸۳). با توجه به این که عناصر هویت ملی در ایران متعدّدند، بنابراین نباید صرفاً یکی از این عناصر را بزرگ و برجسته نمود و روی آن تأکید کرد (احمدی، ۱۳۸۳). با این وجود برخی از صاحب‌نظران به مؤلفه خاصی تأکید کرده‌اند و آن را مهم‌تر از سایر مؤلفه‌ها می‌دانند که در این قسمت بدان‌ها اشاره شده است.

برخی اندیشمندان، جغرافیا یا عنصر سرزمین را مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی قلمداد می‌کنند (Miler, 1995)؛ شایگان، ۱۳۸۷؛ مجتهد زاده، ۱۳۸۵، برخی دیگر به اهمیت دین به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی توجه دارند (افروغ، ۱۳۸۰؛ شریعتی، ۱۳۸۷ و امام خمینی (ره)) و برخی نیز زبان را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه هویتی در نظر می‌گیرند (مسکوب، ۱۳۸۵؛ گودرزی، ۱۳۸۴؛ داوری اردکانی، ۱۳۸۴؛ ترابی، ۱۳۷۸). اما با این وجود بعضی دیگر بر این مؤلفه‌ها انتقاد می‌کنند و آنها را مؤلفه هویتی نمی‌دانند. در ادامه برای نمونه، زبان به عنوان یکی از این عناصر شرح داده می‌شود.

زبان یکی از چالش‌انگیزترین مؤلفه‌های هویت ملی است. به گونه‌ای که گاهی نتایج تحقیقات، به دلیل در نظر نگرفتن همه جوانب، تفاوت‌ها و تضادهایی با هم دارند که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود (هدف اصلی در این قسمت

باید ضمن ترکیب عناصر اسلامی، ایرانی و جهانی، با تأکید بر روی این سه عنصر احیا گردد. رواسانی (۱۳۸۳) نیز به منابع اسلامی، ایرانی، تجدد و تعلقات طبقاتی معتقد است و مطهری (۱۳۸۷) هویت ایرانی - اسلامی را مورد تأکید قرار داده است.

اما فراتر از اتفاق بر ابعاد سه گانه اسلامیت، ایرانیت (قومیت) و مدرنیت، در جزئیات توافق کمتری میان آن‌ها به چشم می‌خورد. اگر پرسیم چه مؤلفه‌ها یا ویژگی‌هایی ایرانی بودن (به معنای قومی)، مسلمان بودن و یا متجدد بودن را مشخص می‌کند، پاسخ‌ها پراکنده و بعضاً متناقض با یکدیگر است. به عبارت دیگر، پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی در کشور ما توافق کلی وجود ندارد و اندیشمندانی که درباره هویت ایرانی سخن گفته‌اند، در مورد مؤلفه‌های آن، اختلاف نظر دارند و هر کدام زاویه‌ای را برای تبیین هویت بر می‌گزینند. (برای مثال رجوع کنید به: لقمان نیا، خامسان، آیتی و خلیفه، ۱۳۹۰؛ تاجیک، ۱۳۸۳؛ میرمحمدی، ۱۳۸۳؛ گودرزی، ۱۳۸۵؛ صنیع اجلال، ۱۳۸۴؛ رهیاب، ۱۳۸۱؛ شمشیری، ۱۳۸۷؛ قربانی، ۱۳۸۳؛ سید امامی، ۱۳۸۳؛ کچوییان، ۱۳۸۳). در کتاب‌های مختلف نیز برای مفهوم هویت ملی از مؤلفه‌های متفاوتی استفاده شده است. (برای مثال رجوع کنید به: صنیع اجلال، ۱۳۸۴؛ میرمحمدی، ۱۳۸۳؛ رضایی، ۱۳۸۱؛ شمشیری، ۱۳۸۷؛ قادری، ۱۳۸۶؛ نصری ۱۳۸۶؛ نادرپور، ۱۳۷۳؛ صدر، ۱۳۷۷؛ مسکوب ۱۳۸۵؛ افروغ، ۱۳۸۰؛ رواسانی، ۱۳۸۵؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰؛ زهیری، ۱۳۸۱). همچنین در تحقیقات به عمل آمده، در پایان‌نامه‌ها نیز از مؤلفه‌های متفاوت نام برده شده است. (برای مثال رجوع کنید به: بهارلو، ۱۳۸۷؛ باهری، ۱۳۸۷؛ صالحی عمران و شکیباییان، ۱۳۸۶؛ نوشادی، ۱۳۸۶؛ روستا، ۱۳۸۶؛ چگنی، ۱۳۸۶؛ کمالی کارسالاری، ۱۳۸۶؛ صادق زاده، ۱۳۸۶؛ بخشی، ۱۳۸۶؛ سخاوتی فر، ۱۳۸۶؛ ابوالقاسمی رودسری، ۱۳۸۵؛ علیرضایی، ۱۳۸۵؛ غفوری کله، ۱۳۸۴؛ داوری اردکانی، ۱۳۸۴؛ باتمانی، ۱۳۸۴؛ میرزاییگی، ۱۳۸۳؛ قیسوندی، ۱۳۸۳؛ احمدلو، ۱۳۸۱؛ شکر خانا، ۱۳۷۹؛ ملاصادقی، ۱۳۷۸؛ آقازاده، ۱۳۷۷؛ میرمحمدی، ۱۳۷۳). در ادامه برای درک بهتر اختلاف نظرها در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی، مواردی که از سوی

نمود. زیرا یکی از نتایج پژوهش سلیمی (۱۳۸۶) که در ۲۸ استان کشور انجام شده است این بود که «۶۵٪ در خانه به زبان محلی صحبت می‌کنند و ۲۷٪ تسلط کامل به زبان فارسی ندارند و ۶۲٪ وظیفه خود می‌دانند که زبان محلی را به فرزندانشان بیاموزند». این در حالی است که داوری اردکانی (۱۳۸۴) در پژوهش خود از نمونه ۸۲۶ نفری در تهران استفاده کرده است که ۹۰/۷٪ افراد فارسی زبان و ۹/۳٪ آن غیر فارسی زبان بودند. بنابراین نتایج این تحقیق از این لحاظ که زبان فارسی را در میان فارسی زبانان مورد سنجش قرار داده است، جای تأمل دارد. با توجه به همه این موارد، ربانی (۱۳۸۱) نتیجه می‌گیرد: «در بین کسانی که دارای هویت قومی هستند (آذری، کرد، بلوچ و مانند آن) و زبان مادری آنها فارسی نیست، از نظر اعتقاد به هویت ملی، تفاوتی وجود ندارد و هر دسته تقریباً به یک اندازه به هویت ملی خود آگاه و بدان پایبندند».

همان گونه که ملاحظه شد، با وجود جانبداری یک طرفه برخی صاحب نظران و پژوهشگران از زبان، بعضی آن را به عنوان مؤلفه مهم هویتی به شمار نمی‌آورند. اما با توجه به اختلاف نظرها و دیدگاه‌های متفاوت، شایان ذکر است که برای شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی، ابتدا لازم است از منابع هویتی در ایران آگاه شد تا بر مبنای آن، مؤلفه‌ها مورد شناسایی قرار گیرند تا پس از ایجاد توافق کلی پیرامون آن، به تقویت هویت ملی در ایران پرداخته شود. خوشبختانه در مورد منابع هویتی در ایران میان اکثر صاحب نظران توافق وجود دارد. اگرچه میان سهم و وزن اجزا و ویژگی‌های هر یک با تقدم و تأخری که به آن می‌دهند، میان این طرح‌ها تفاوت وجود دارد، اما همگی بر سه لایه هویتی اتفاق نظر دارند که عبارتند از: منبع دینی (هویت اسلامی)، منبع باستانی (هویت باستانی یا قومی) و منبع غربی (هویت تجددی) (برای مثال رجوع کنید به سریع القلم، ۱۳۸۳؛ رواسانی، ۱۳۸۵؛ سروش ۱۳۷۷؛ بروجردی، ۱۳۸۴؛ مجتهد زاده، ۱۳۸۵؛ ثاقب‌فر، ۱۳۸۳؛ کچوییان، ۱۳۸۳؛ شریعتی، ۱۳۸۱؛ رهیاب، ۱۳۸۱؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰؛ رجایی، ۱۳۸۵). البته مواردی هم وجود دارد که به منابع دیگری اشاره دارد. برای مثال ربانی (۱۳۸۲) و سید امامی (۱۳۸۳) معتقدند که هویت ملی ما

(۱۳۷۷): جنسیت، تبار، منافع اقتصادی و تولیدی و پول مشترک، حقوق و انیستیتوسیون‌های مشترک، احساس روان شناختی مشترک در تعلق به آن منافع مشترک و در دفاع از آنها؛ نادرپور (۱۳۷۳) به نقل از پایان‌نامه کاویانی راد (۱۳۸۵): ریشه.

از بین مؤلفه‌های مطرح شده در جداول شماره ۱ و ۲ و نمودارهای شماره ۱ و ۲ برخی مؤلفه‌ها از فراوانی بیشتری برخوردار بودند که نتایج آن در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

بنابراین عدم توافق در مؤلفه‌های هویت ملی به وضوح قابل مشاهده است که هر یک بر عنصری ویژه تأکید کرده‌اند. هر چند با وجود برخی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و تناقض‌هایی نیز در آنها مشاهده می‌شود. با توجه به عدم توافق مؤلفه‌ها در ایران، سؤال اساسی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان هویت ملی را تقویت کرد؟ آیا امکان تقویت هویت ملی با توجه به عدم توافق مؤلفه‌ها وجود دارد؟ و این که بهترین مکان برای تقویت هویت ملی کجاست؟

از آنجا که نظام‌های آموزشی و به ویژه آموزش و پرورش بیشترین نیرو و سرمایه انسانی را در بردارد و از سوی دیگر، به عنوان اصلی‌ترین نهادی در نظر گرفته می‌شود که وظیفه درونی کردن ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه را بر عهده دارد (یارمحمدیان، ۱۳۷۷) می‌تواند به عنوان بهترین مکان برای تقویت هویت ملی قلمداد شود. دوروتیچ (Dorotich) به نقل از طالبی، (۱۳۷۸) اهمیت این مسأله را تا حدی می‌داند که بیان می‌کند «چنانچه، نظام آموزش و پرورش نتواند افراد را به هویت ملیشان معتقد و علاقمند سازد، چه بسا با خطر سرکوبی هویت خویش و روی آوردن کامل به دیگر هویت‌ها روبه‌رو شویم که مثال روشن در این زمینه سرکوبی هویت آلمان پس از جنگ جهانی دوم و روی آوری شدید به هویت آمریکایی از سوی جوانان آلمانی است». اما مسأله اساسی دیگری که در ارتباط با تقویت هویت ملی از طریق آموزش و پرورش مطرح می‌شود این است که آیا آموزش و پرورش ایران برای این موضوع چاره‌ای اندیشیده است؟ آیا به هویت ملی توجه کرده است؟ و این که آیا برای این کار برنامه‌ای ویژه طراحی

سایر مواردی که از سوی محققان به عنوان مؤلفه‌های هویت ملی در پایان‌نامه انتخاب شده است عبارت است از: حکمت دوست (۱۳۸۸): ادبیات ملی، مشترکات ملی؛ باهری (۱۳۸۷): دولت؛ چگنی (۱۳۸۶) تجدد؛ شمشیری (۱۳۸۶): نظام سیاسی، افتخارات ملی، تجدد؛ علیرضایی (۱۳۸۵): احساس تعلق، سنت ادبیات ملی، مشترکات ملی؛ ابوالقاسمی رودسری (۱۳۸۵): نژاد؛ غفوری کله (۱۳۸۴): نظام سیاسی؛ باتمانی (۱۳۸۴): اجتماع؛ شکیباییان (۱۳۸۳): آداب و رسوم ملی؛ میرزابیگی (۱۳۸۳): مردم ایران، خط؛ احمدلو (۱۳۸۱): نظام سیاسی، مردم ایران؛

شکری خانقاه (۱۳۷۹): آداب و رسوم ملی، ویژگی‌های ایرانی مانند مهمان نوازی؛ آقازاده (۱۳۷۷): نژاد، دولت، تابعیت، اقتصاد؛ میرمحمدی (۱۳۷۳): آداب و رسوم ملی؛ بخشی (۱۳۸۶): تعلق ملی، تعهد و وفاداری ملی (تعهد و وفاداری مشترک)؛ کمالی کارسالاری (۱۳۸۶): آگاهی و اطلاعات دینی، توجه به بزرگان دینی - مذهبی، توجه به مناسک دینی - مذهبی، توجه به پیامدهای احکام و دستورات دینی و مبانی اعتقادی دینی - مذهبی، توجه به انتخابات، توجه به پارلمان مجلس، توجه به حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، توجه به انجمن‌ها و احزاب سیاسی، توجه به مفاهیم دولت - ملت و ناسیونالیسم.

سایر مواردی که از سوی محققان به عنوان مؤلفه‌های هویت ملی انتخاب شده است عبارت است از: نصری (۱۳۸۷): هنر (موسیقی، معماری و قالی بافی)؛ ایمانی نائینی (۱۳۸۶): باورهای دینی، مراسم و آیین‌های مذهبی، نمادها، هنجارها و ارزش‌های ملی، حماسه‌ها و قهرمانان ملی و مذهبی؛ رجایی (۱۳۸۵): فردیت عارفانه، تساهل و باز بودن، وحدانیت، برابری در قبال قانون، اعتدال، معرفت و جوانمردی، فردیت مسؤول و آزادی معقول؛ قرخلو (۱۳۸۴): اقتصاد، ادبیات، اعیاد و جشن‌های ملی و سوابق اجتماعی کم و بیش مشترک؛ بروجردی (۱۳۸۴): دموکراسی؛ زاهد (۱۳۸۴): تجددخواهی؛ روح الامینی (۱۳۸۳): ملت؛ رواسانی (۱۳۸۳) فرهنگ مادی (جنبه اقتصادی) و فرهنگ معنوی (دین، زبان، تاریخ، سنن)؛ افروغ (۱۳۸۰): منافع مشترک، منافع دفاعی و امنیتی، حقوق مشترک، و یک حس روانشناسی فردی و جمعی؛ صدر

مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف نظام آموزشی

این بخش با توجه به اهداف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران که در ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در مورخ ۷۷/۷/۳۰ به تصویب رسیده و تاکنون نیز تغییری نکرده، مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف کلی به ۸ زمینه اعتقادی، اخلاقی، علمی - آموزشی، فرهنگی - هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. در زمینه مؤلفه‌ها باید اذعان داشت که در اهداف کلی نظام آموزشی ایران به مؤلفه‌های هویت ملی توجه شده است. هر چند این توجه همه جانبه نبوده است و همه مؤلفه‌های هویت ملی را در بر نمی‌گیرد. از ۵۶ مورد هدف کلی به ۶ هدف پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی اشاره شده است که البته هم پوشی‌هایی نیز با هم دارند. اکثر این موارد را می‌توان در میان ۸ هدف فرهنگی - هنری مشاهده نمود که عبارتند از: «شناخت هنر اسلامی و هنرهای ملی و جهانی مناسب»، «پرورش روحیه حفظ میراث فرهنگی، هنری و تاریخی»، «شناخت ادب فارسی به عنوان جلوه‌گاه ذوق، هنر و مظهر وحدت ملی و اجتماعی کشور»، «شناخت فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه اسلامی ایران»، «شناخت تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان با تأکید بر فرهنگ معاصر». یک مورد دیگر را می‌توان در میان ۱۲ هدف اجتماعی یافت که عبارت است از: «پرورش روحیه برادری و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت آن». در مجموع ۱۰/۷۱٪ از اهداف مربوط به مؤلفه‌های هویت ملی است و ۸۹/۲۹٪ مربوط به سایر اهداف می‌شود. در ادامه باید دید که این مؤلفه‌ها، در اهداف آموزشی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان چه جایگاهی دارند. بدین منظور اهداف مرتبط با مؤلفه‌های هویت ملی در این دوره‌ها، به تفکیک بررسی می‌شود.

اهداف آموزشی مقطع ابتدایی

اهداف دوره ابتدایی برخی از جنبه‌های هویت ملی را مد نظر قرار داده است و از جامعیت برخوردار نیست. از مجموع ۹۵ هدف آموزشی دوره ابتدایی تنها به ۳ مورد پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی می‌توان اشاره نمود که عبارتند از: ۱- هنر، ۲- فرهنگ و ۳- پرچم و سرود ملی. دو

مؤلفه اول را می‌توان در مجموع ۸ هدف آموزشی فرهنگی هنری یافت که عبارتند از «با برخی از آثار معروف هنری آشنا است» و «برخی از آداب فرهنگی و اجتماعی اسلامی - ایرانی را می‌داند و برای آنها ارزش قائل است». مؤلفه سوم را نیز می‌توان در مجموع ۱۰ هدف سیاسی مشاهده نمود که تنها یک مورد را در بر می‌گیرد و آن عبارت است از: «نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌شناسد، به پرچم کشور احترام می‌گذارد و سرود ملی را از حفظ می‌خواند». بنابراین جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف آموزشی مقطع ابتدایی ۳/۱۶٪ است و ۹۶/۸۴٪ را سایر اهداف تشکیل می‌دهند. البته سن فراگیران مقطع ابتدایی شاید تا حدودی عدم جامعیت مؤلفه‌ها در این مقطع را توجیه نماید. این موضوع با پژوهش‌های لقمان نیا و خامسان (۱۳۸۹)، شکوهی (۱۳۸۳) و (محسنی، ۱۳۸۳) همسو است.

اهداف آموزشی مقطع راهنمایی

از ۱۰۵ هدف آموزشی در دوره راهنمایی تنها می‌توان به ۳ مؤلفه در ۴ هدف اشاره نمود که عبارتند از ۱- زبان و ادب فارسی، ۲- هنرهای اسلامی و ایرانی، ۳- فرهنگ و آداب و سنن. این موارد را می‌توان در میان اهداف آموزشی در حیطه‌های علمی و آموزشی و فرهنگی - هنری مشاهده نمود. از ۱۳ هدف علمی و آموزشی، فقط می‌توان به ۱ هدف اشاره کرد: با زبان و ادب فارسی مأنوس است و در کاربرد مهارت‌های زبانی و استفاده از متون ساده ادبی توانایی دارد.

از ۹ هدف فرهنگی هنری، تنها می‌توان به ۳ هدف اشاره نمود: «با برخی از هنرهای اسلامی و ایرانی آشنا است»، «با فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه آشنا است و نسبت به آنها احساس تعهد می‌کند» و «آثار هنری و فرهنگی را با توجه به تأثیرات آنها در رشد انسان بررسی می‌کند». در مجموع جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف آموزشی مقطع راهنمایی ۳/۸۱٪ است و ۹۶/۱۹٪ را سایر اهداف تشکیل می‌دهد.

اهداف آموزشی مقطع متوسطه

مجموعه اهداف دوره متوسطه بیان‌کننده این است که از ۱۰۲ هدف آموزشی در دوره متوسطه تنها می‌توان به ۵ مؤلفه در ۷ هدف اشاره نمود که عبارتند از ۱- زبان فارسی،

توافق و عدم توافق در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی و #&/

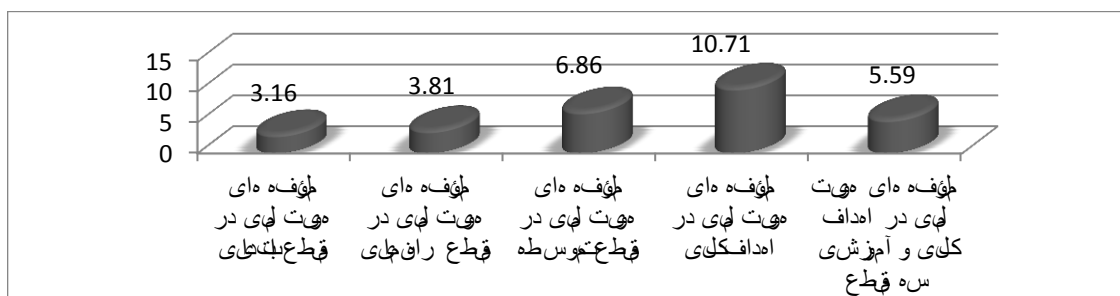
بنابراین همان گونه که ملاحظه می‌شود در مجموع، از ۳۵۸ هدف کلی و آموزشی دوره‌ها تنها می‌توان به ۲۰ هدف اشاره نمود که البته برخی از آنها در هر دوره با یکدیگر هم پوشانی دارند. در نتیجه سهم مؤلفه‌های هویت ملی از اهداف کلی و آموزشی سه مقطع ۵/۵۹٪ و سایر اهداف ملی در اهداف سه مقطع آورده شده است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف کلی، بیشتر از مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در اهداف آموزشی سه مقطع است. همچنین هر چند مؤلفه‌های هویت ملی از مقطع ابتدایی به متوسطه افزایش یافته اما فاقد جامعیت کافی است و همه جنبه‌های آن را در بر نمی‌گیرد.

با بررسی تحقیقات انجام شده پیرامون هویت ملی در کتاب‌های درسی نیز می‌توان به نتایج قابل تأملی پیرامون مؤلفه‌ها دست یافت. نکته قابل ملاحظه در این تحقیقات با توجه عدم توافق مؤلفه‌ها، چگونگی سنجش هویت ملی در کتاب‌های درسی است. برای پاسخ به این چالش در ادامه پس از ارائه پژوهش‌های پیرامون هویت ملی در کتاب‌های درسی، آنها مورد نقد و بررسی قرار خواهند گرفت.

۲- دستاوردهای فرهنگی هنری، ۳- مفاخر فرهنگ و هنر، ۴- تاریخ و فرهنگ و تمدن و ۵- جغرافیای سیاسی ایران، که البته به نقش زبان فارسی در دو هدف مجزای دیگر نیز اشاره شده است. این موارد در اهداف زیر در نظر گرفته شده است.

از ۱۳ هدف علمی و آموزشی، فقط می‌توان به ۲ هدف اشاره کرد: «کتاب‌های نوشته شده به زبان فارسی را روان می‌خواند و به این زبان خوب تکلم می‌کند» و «آیین نگارش فارسی را می‌داند و می‌تواند به این زبان، نامه، گزارش و مقاله بنویسد». همچنین از مجموع ۹ هدف فرهنگی - هنری، تنها می‌توان به ۴ هدف اشاره نمود: «دستاوردهای فرهنگی هنری جامعه ایرانی را جزئی از هویت ملی خویش می‌داند»، «با مفاخر فرهنگ و هنر آشنا است و از آنها استفاده می‌کند»، «به مطالعه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان علاقمند است» و «به نقش مهم زبان فارسی در ایجاد ارتباط و وحدت فکری و فرهنگی ایرانیان واقف و با آثار برجسته ادب فارسی مأنوس است». از ۱۳ هدف سیاسی، فقط می‌توان به ۱ هدف اشاره نمود که عبارت است از: «با جغرافیای سیاسی ایران و کشورهای اسلامی آشنا است و تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها را می‌داند». بنابراین جایگاه مؤلفه‌های هویت ملی در اهداف آموزشی مقطع متوسطه ۶/۸۶٪ است و ۹۳/۱۴٪ را سایر اهداف تشکیل می‌دهد.



نقد پژوهش‌های پیرامون هویت ملی در کتاب‌های

درسی مقاطع سه گانه

مرور تحقیقات انجام شده پیرامون هویت ملی در کتاب‌های درسی می‌تواند دورنمای روشنی از میزان توجه و جایگاه هویت ملی در برنامه‌های درسی ایران و به طور کلی نظام آموزشی ایران را ترسیم نماید. در این بخش تلاش شده اکثر پژوهش‌های انجام شده با روش تحلیل محتوا پیرامون هویت ملی در کتب درسی با دید فرا تحلیلی مورد نقد قرار گیرد.

بهارلو (۱۳۸۷) جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی را بررسی کرده است. از ۱۳ نماد هویت ملی شامل پرچم و سرود ملی، تقویم رسمی، دفاع از سرزمین، جشن‌ها و اعیاد ملی، هنرهای ملی، آثار و مکان تاریخی، لباس ایرانی، اسطوره‌های ملی، ارزش‌ها و هنجارهای ملی، خرده فرهنگ‌ها، افتخارات ملی، نخبگان و تعاملات بین الملل، به عنوان واحد تحلیل استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در کتب درسی رشته‌های مذکور به برخی نمادهای هویت ملی اصلاً توجهی نشده و در برخی کتاب‌های تخصصی هیچ گونه نماد ملی وجود ندارد. همچنین میان کتاب‌های درسی عمومی و کتاب‌های درسی اختصاصی از لحاظ توجه به مقوله هویت ملی، تفاوت وجود دارد. در مجموع این محقق نتیجه می‌گیرد که توجه متعادلی به مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی دو رشته فوق نشده است و هویت ملی در این کتاب‌ها جایگاه مطلوب و قابل توجهی ندارد.

با توجه به این تحقیق سؤال اساسی این است که آیا می‌توان هر چیزی را به عنوان نماد هویت ملی در نظر گرفت؟ آیا تعاملات بین الملل، خرده فرهنگ‌ها، جزو نمادهای ملی ما هستند؟ آیا میان نمادهای هویت ملی و مؤلفه‌های هویت ملی تفاوت وجود دارد؟ آیا باید در رشته‌های تخصصی نمادهای هویت ملی رعایت شود؟ و این که این نمادها باید به چه میزان در این دروس رعایت شوند؟

نکته اساسی این جاست که در این گونه تحقیقات و تحقیقاتی که بدان‌ها اشاره خواهد شد، باید در چند نکته

توجه و دقت کافی لحاظ شود. نخست این که هر چیزی را نمی‌توان بنا به دلخواه خود، جزء نماد یا مؤلفه هویت ملی به شمار آورد. برای هر کار باید از قواعد علمی آن کار استفاده شود و برای هر اقدام دلیل قانع کننده‌ای ذکر شود و حتماً از منابع قابل اعتماد و معتبر استفاده شود. برای مثال، در این پژوهش «تعاملات بین الملل» یا «خرده فرهنگ‌ها» جزو نمادهای هویت ملی در نظر گرفته شده است. پژوهشگر در هیچ کجای پژوهش این که چرا این موارد را جزو نماد قرار داده است، دلیل خاصی نیاورده و بیشتر سعی کرده است به نظرات اساتید راهنما و مشاور خود اکتفا کند. دوم این که واضح و مبرهن است که نمادهای هویت ملی با مؤلفه‌های هویت ملی در یک سطح قرار نمی‌گیرند، زیرا نماد جزئی از مؤلفه است. یعنی خود واژه «نمادهای هویت ملی» می‌تواند به عنوان مؤلفه در نظر گرفته شود و مصادیقی همچون پرچم و سرود ملی و غیره در مجموعه این نماد قرار گیرند. سوم این که هر چه دروس تخصصی‌تر می‌شود، به ویژه در رشته‌هایی چون علوم تجربی، ریاضی و فنی خواه ناخواه توان استفاده از نمادها و به ویژه مؤلفه‌ها کمرنگ‌تر می‌شود زیرا ارائه این نمادها در برخی کتب تخصصی از نظر ماهوی امکان پذیر نیست و یا به عبارت بهتر، نیاز به استفاده از مؤلفه‌هایی خاص افزایش می‌یابد.

اصولاً چنین است که در مقوله تحلیل محتوا، شاخص‌ها، نمادها، مؤلفه‌ها، یا به طور کلی آن هدفی که محقق برای تحلیل محتوا دارد در تمامی دروس به صورت جداگانه لحاظ می‌شود. برای مثال در تحقیق یاد شده هر ۱۳ نماد برای دروس ریاضی، فیزیک، ادبیات و به همین ترتیب برای دروس دیگر به کار برده شده است. یعنی محقق این انتظار را از تک تک دروس داشته که هر ۱۳ نماد باید در هدف‌های تک تک دروس گنجانده و در محتوا نمایان می‌شد. البته این ویژگی در تمامی تحلیل محتواهایی که بررسی شده است و بدان‌ها پرداخته می‌شود، مشترک است که این امر در این زمینه (تحلیل محتوای هویت ملی) نمی‌تواند قابل دفاع باشد. علت این است که به راستی تا چه میزان دروسی مانند ریاضی، زیست‌شناسی، عربی، شیمی و از این قبیل توان به کارگیری نمادها و مؤلفه‌های هویت

یکسانی استفاده شده است. شاید علت این باشد که هر دو تحقیق در یک دانشگاه و یک دانشکده (علوم تربیتی و روان‌شناسی) و با یک سال اختلاف انجام گرفته‌اند اما علی‌رغم وجود چند تفاوت (گسترده‌تر کردن تحلیل و اضافه نمودن ۴ نماد اسطوره‌های ملی، ارزش‌ها و هنجارهای ملی، خرده فرهنگ‌ها، افتخارات ملی و تعاملات بین الملل در تحقیق سال ۸۷) مشکلاتی را که در پژوهش قبلی ذکر شد دارا است.

نوشادی (۱۳۸۶) به «بررسی چگونگی طرح هویت ملی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی» پرداخته است. بر اساس این پژوهش، هویت ملی ایران بر پایه سه رکن ایرانیت (ملیت)، اسلامیت و تجدد در نظر گرفته شده است. طبق این تحقیق، ۱۰ مقوله مورد شناسایی قرار گرفت که عبارت بود از: بعد دینی و بعد سیاسی از رکن اسلامیت؛ ارزش‌های و هنجارهای ملی، میراث فرهنگی، اسطوره‌های ملی، نمادهای ملی، ویژگی‌های جغرافیایی، خرده فرهنگ‌های قومی از رکن ایرانیت؛ و سایر مقوله‌ها عبارت بود از افتخارات ملی، مقوله اسلامی - ایرانی و تجدد.

در این تحقیق همان گونه که ملاحظه می‌شود، محقق بین ابعاد، مؤلفه‌ها و حتی نمادهای هویت ملی تفاوتی قایل نشده است و بیشتر همان اشتباهاتی که در قسمت قبل بدان اشاره شد، در این تحقیق نیز به چشم می‌خورد. در این تحقیق از ۱۰ مؤلفه؟! مقوله؟! و یا بعد؟! استفاده شده است. آنچه حداقل در مبحث هویت ملی رایج شده است و در کتاب‌ها و تحقیقات گوناگون به وفور به چشم می‌خورد، عدم تمایز میان واژه‌هایی چون بعد و مؤلفه است. محقق بر آن است که می‌توان در به کاربردن این واژه‌ها دقت بیشتری مبدول داشت. زیرا به نظر می‌رسد که بعد یا "dimension" از کلیت بیشتری نسبت به مؤلفه یا "component" برخوردار است "component" در دایره المعارف علوم اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۷۰) به معنی «جزء» و «مؤلفه» آمده است و "component society" «جامعه از نظر عناصر تشکیل دهنده» معنی شده است. بنابراین مؤلفه زیرمجموعه‌ای از بعد است. برای مثال در بعد جغرافیا می‌توان به سرزمین و در بعد تاریخ می‌توان به اسطوره‌های

ملی را در خود دارند؟ حتی درس‌هایی مثل تاریخ و ادبیات نیز از این که همه مؤلفه‌ها و نمادها را در خود جای دهند ناتوانند. بنابراین، باید به این نکته دقت کافی داشت و آن را بسیار با اهمیت قلمداد نمود. محقق معتقد است که بر مبنای همین اشتباه، اعتبار تحقیقات این چینی بسیار ناچیز شده، ارزش علمی خود را از دست می‌دهد.

توانایی برنامه ریزان در این مواقع این گونه چاره ساز است که در هر کتاب درسی، از مؤلفه‌های خاص همان کتاب درسی استفاده شود. زیرا غیر از مقوله هویت ملی مباحث بسیاری هستند که باید در دروس مختلف به آنها پرداخته شود. بنابراین با توجه به این موارد نمی‌توان با صراحت اعلام کرد که «توجه متعادلی به مقوله هویت ملی در کتاب‌های درسی در دو رشته فوق نشده است و هویت ملی در این کتاب‌ها جایگاه مطلوب و قابل توجهی ندارند» (برای مثال رجوع کنید به نتایج تحقیقات شگری خانقاه ۱۳۷۹؛ شکیباییان ۱۳۸۳؛ نوشادی ۱۳۸۶؛ کمالی کارسالاری ۱۳۸۶؛ علیرضایی ۱۳۸۵؛ صادق زاده ۱۳۸۶ و بهارلو ۱۳۸۷). بر اساس نتایجی که ذکر شد، هنوز توافق کلی میان اندیشمندان پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی وجود ندارد، چه برسد به این که به راحتی بتوان آنها را جزو اهداف درسی لحاظ کرده، در پی تقویت آن بود. همچنین همان طور که ملاحظه شد بسیاری از نمادهایی که محقق انتظار آنها را در محتوای کتاب‌ها داشته، اصلاً در مجموعه اهداف کلی و آموزشی دوره‌ها وجود نداشته است و همچنین به دلیل بین رشته‌ای بودن مقوله هویت ملی، مشکلات بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود.

صادق زاده (۱۳۸۶) نمادهای هویت ملی را در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی بررسی کرده است. طبق نتایج به دست آمده، در این تحقیق به مقوله هویت ملی و ۹ نماد آن (پرچم و سرود ملی، تقویم رسمی، دفاع از سرزمین، جشن‌های ملی، هنر ایرانی، مکان‌های تاریخی، لباس ایرانی و نخبگان) و تقویت حس تعلق ملی، یا به صورت ناقص توجه شده یا اصلاً توجهی نشده است.

این تحقیق نیز از مشکلات تحقیق پیشین برخوردار است. همچنین در این دو پژوهش از نمادهای تقریباً

تاریخی و حوادث تاریخ ساز در کشورمان اشاره نمود. در هر صورت مهم این است که مؤلفه‌ها مشخص و قابل توافق باشند. این مسأله، خود بسیاری از مشکلات را حل خواهد نمود.

با توجه به دو پایان‌نامه‌ای که نمادهای هویت ملی را مورد بررسی قرار دادند و دقت در این پایان‌نامه که از نظر محقق آن، «۱۰ مقوله یا مؤلفه» را بررسی کرده است، به خوبی قابل تشخیص است که ۴ نماد از ۱۳ نماد به کار رفته در دو پایان‌نامه قبلی، در این پایان‌نامه به عنوان «مقوله یا مؤلفه» در نظر گرفته شده‌اند که عبارتند از: ارزش‌های ملی و هنجارهای ملی، اسطوره‌های ملی، خرده فرهنگ‌های قومی، افتخارات ملی. البته این خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد که کدام مورد از صحت بیشتری برخوردار است و بیشتر بر مبنای واقعیت به کار رفته است ولی حداقل این امر را که محققان دیدگاه‌های شخصی خود را بیشتر رواج می‌دهند، مشخص می‌کند. همچنین داوری اردکانی (۱۳۸۴) از ۱۹ نماد استفاده کرده که بدین قرار است: ۱- فرهنگ (آداب و رسوم، لباس، رفتار، غذا، باورها و مانند آن)، ۲- ویژگی‌های اخلاقی (مثبت و منفی)، ۳- شناسنامه ایرانی، ۴- آثار باستانی، ۵- اساطیر ایرانی، ۶- ورزش‌های باستانی و ورزش ملی معاصر، ۷- دین، ۸- قومیت، ۹- سرود ملی، ۱۰- جغرافیا و مکان، ۱۱- اقتصاد، ۱۲- هنر، ۱۳- زبان فارسی، ۱۴- ادبیات، ۱۵- علم و صنعت، ۱۶- تاریخ و تمدن، ۱۷- مشاهیر ایرانی، ۱۸- سیاست و ۱۹- پرچم. در این پژوهش کاملاً مشخص است که اولاً نمادها و مؤلفه‌ها را از هم متمایز نکرده؛ برای مثال در چکیده از مؤلفه به جای نماد استفاده نموده است، ثانیاً به نظر می‌رسد که محقق همه موارد را در نظر گرفته است، خواه بشود آنها را جزو مؤلفه‌های هویت ملی محسوب کرد، خواه نشود! و همچنین منظور خود را از نمادهایی همچون اقتصاد، باورها، رفتار و غیره مشخص نکرده که آیا کلیت آنها را در نظر گرفته یا این که به مواردی خاص از آنها تأکید کرده است؟

ابوالقاسمی رودسری (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «هویت ایرانی در شاهنامه» به بررسی هویت ایرانی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن و بازتاب آنها در شاهنامه پرداخته است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: دین، زبان، تاریخ،

سرزمین و نژاد. محقق معتقد است که این عناصر امروزه نیز جزو مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت ایرانی محسوب می‌شوند. البته ایشان در صفحه ۱۷ بیان کرده است که «نژاد» را نمی‌توان امروزه جزو عناصر سازنده هویت به شمار آورد و در پایان، این گونه در مورد «زبان» نتیجه می‌گیرد که به جرأت می‌توان گفت اگر این کتاب (شاهنامه) سروده نمی‌شد، ما یکی از منابع مهم شناخت هویتی را از دست می‌دادیم.

پراکندگی در نظر گرفتن مؤلفه‌ها به طور آشکاری در تحقیقات یاد شده نمایان و کاملاً مشخص است. اکثر محققان مؤلفه‌ها را از جای خاصی استخراج نکرده‌اند و در هیچ کجای تحقیق هم ذکر نکرده‌اند که مؤلفه‌ها را از چه منبعی به دست آورده‌اند. اما در این میان می‌توان به سه پایان‌نامه اشاره کرد. کمالی کارسالاری (۱۳۸۶) مؤلفه‌های خود را بر مبنای ارزش‌های باستانی، ارزش‌های دینی - مذهبی و ارزش‌های فرهنگ غرب تهیه کرده است که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود. البته لازم به توضیح است که سه منبع ایرانی، اسلامی و تجدد (غرب) مورد توافق اکثر اندیشمندان ما هستند نه سه ارزش. همچنین می‌توان به نوشادی (۱۳۸۶) اشاره کرد. وی مؤلفه‌های هویت ملی را در پایان‌نامه خود بر اساس «پژوهش‌های یآوری (۱۳۷۳)، هادی‌نژاد (۱۳۷۵)، حاجیانی (۱۳۸۳) و به ویژه پژوهش ملاصادقی (۱۳۷۸) به دست آورده است». با این وجود، با بررسی‌های انجام شده مشاهده شد که حتی در دانشکده‌های یک دانشگاه نیز از مؤلفه‌های یکسان و مشابهی استفاده نشده است (بهارلو (۱۳۸۷)؛ صادق زاده (۱۳۸۶)؛ ابوالقاسمی رودسری (۱۳۸۵) در دانشگاه الزهرا و شکیباییان (۱۳۸۳)؛ کمالی کارسالاری (۱۳۸۶)؛ سخاوتی فر (۱۳۸۶)). این امر می‌تواند هم نشان دهنده بی توجهی محققان نسبت به تحقیقات انجام شده و پیشینه تحقیق باشد و هم مؤید این است که مؤلفه‌ها را با صلاحدید خود و یا با مشورت استادان خود در نظر گرفته‌اند و در پایان و مهمتر از همه این که این موارد می‌تواند خود گویای بارز عدم توافق پیرامون مؤلفه‌های هویت ملی در ایران باشد.

در این تحقیق از ۵ مؤلفه و در تحقیق پیشین از ۱۰ مؤلفه نام برده شده است. همچنین در تحقیقات پیش رو

دوره ابتدایی در شکل دهی به هویت ملی» اشاره کرد. در این پژوهش نیز می‌توان به مواردی همچون، عدم تمایز میان مؤلفه، شاخص و بعد اشاره کرد و این که برخی از مؤلفه‌های مهم هویت ملی مانند زبان و تاریخ در نظر گرفته نشده و در پایان این که مانند همه تحلیل محتوای انجام شده انتظار وجود همه مؤلفه‌ها را در هر یک از کتاب‌های درسی داشته است.

شکری خانقاه (۱۳۷۹) در پایان‌نامه خود «نقش محتوای کتاب‌های درسی دوره تحصیلی ابتدایی در اعتلای هویت ملی» را بررسی نموده است. در این تحقیق نیز روندهای قبلی طی شده و این نکته جالب توجه است که با دقت در تحقیقات شکری خانقاه (۱۳۷۹) و شکیباییان (۱۳۸۳) در می‌یابیم که با وجود یکسانی تحقیق در یک مقطع تحصیلی، از مؤلفه‌های متفاوتی استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

رسیدن به یک توافق و اجماع در مورد مؤلفه‌های هویت ملی با توجه به پراکندگی و تعدد نظرات و از طرفی تضاد نظرات شاید کار آسانی نباشد. اگر طیف وسیعی از مؤلفه‌های در نظر گرفته شده را (جدول شماره ۱، ۲، ۳ و نمودارهای شماره ۱، ۲) در کنار یکدیگر قرار دهیم، شاید نتوان مؤلفه دیگری را یافت که بشود آن را در این مجموعه قرار داد. نباید به همه موارد در نظر گرفته شده به عنوان مؤلفه اعتماد نمود و از سوی دیگر نباید هر موردی را به عنوان مؤلفه در نظر گرفت. برای مثال، بهارلو (۱۳۸۷) مواردی نظیر خرده فرهنگ‌ها و تعاملات بین الملل را به عنوان نماد ذکر کرده است. یا بخشی (۱۳۸۶) تعلق ملی، تعهد و وفاداری ملی (تعهد و وفاداری مشترک) و میراث مشترک را به عنوان سه مؤلفه هویت ملی در نظر گرفته است. همچنین به گفته نصری (۱۳۸۷) «وقتی افروغ (۱۳۸۰) عناصر هویت ملی را «سرزمین مشترک، منافع مشترک، منافع دفاعی، امنیتی و اقتصادی، حقوق و دولت مشترک و یک حس روان‌شناسی فردی و جمعی» ذکر می‌کند چه چیزی عاید مخاطب می‌شود؟!».

به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در پایان‌نامه‌های دانشجویی نیز از وضعیت مناسبی نسبت به انتخاب مؤلفه‌ها برخوردار نیست (برای مقایسه رجوع کنید

که به آنها هم اشاره خواهیم نمود از تعدد و گوناگونی دیگری در انتخاب مؤلفه‌ها استفاده شده است. در این جا چند سؤال به ذهن متبادر می‌شود که نیاز به بررسی دارند. ۱- سؤال اساسی این است که دلیل انتخاب مؤلفه‌ها چیست؟ ۲- آیا معیاری مشخص برای انتخاب مؤلفه‌های هویت ملی وجود دارد؟ ۳- آیا مجاز به انتخاب هر تعداد بعد یا مؤلفه و یا نماد برای سنجش هویت ملی در کتاب‌ها هستیم؟ ۴- به راستی علت انتخاب مؤلفه‌های متعدد در تحقیقات و تحلیل‌های متفاوت چیست؟ آیا جز این است که هنوز از مؤلفه‌های واحد و توافق شده‌ای پیروی نمی‌کنیم؟ آیا جز این است که معیاری مشخص برای انتخاب مؤلفه‌های هویت ملی در ایران نداریم؟ همه این عوامل حاکی از ضعف‌هایی جدی است که باید هرچه زودتر در جهت رفع آن اقدام کرد.

کمالی کارسالاری (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب دوره آموزش راهنمایی» اشاره نموده که مؤلفه‌ها توسط شخص پژوهشگر انتخاب شده است. همچنین مسأله دیگری که مانند سایر تحقیقات اشتباه به کار رفته است، عدم تفاوت میان شاخص، بعد و مؤلفه است. این در حالی است که این تحقیق برخلاف اکثر تحقیقاتی که از آن نام بردیم تنها از ۳ منبع هویتی (منبع ایرانی، منبع اسلامی و منبع غرب) که مورد توافق اکثر صاحب نظران است استفاده کرده که البته از آن با عنوان مقوله‌های هویت ملی نام برده است. در غیر این صورت، در سایر موارد همانند مؤلفه‌های خود ساخته در هر سه منبع هویتی، تحلیل محتوای نادرست - البته نه از جهت اشتباه بودن شیوه تحلیل محتوا بلکه از لحاظ انتخاب مؤلفه‌هایی که مبنای دقیق ندارد و همچنین انتظار وجود همه مؤلفه‌ها در محتوای هر کتاب درسی - و حتی عدم مشابهت در بیشتر مؤلفه‌ها با تحقیق سخاوتی فر (۱۳۸۶) که در همان سال و در همان دانشگاه و دانشکده انجام گرفته و همچنین عدم مشابهت در مؤلفه‌ها با تحقیق شکیباییان در سال (۱۳۸۳) همانند سایرین روند درستی را طی نکرده است.

در تحقیق دیگر می‌توان به پایان‌نامه شکیباییان (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی

به جدول و نمودار شماره ۱). این موضوع نشان می‌دهد که اکثر مواردی را که دانشجویان جزو مؤلفه در نظر گرفته‌اند، بیشتر به این دلیل است که بتوانند برای مثال کار تحلیل محتوای خود را انجام دهند. به همین دلیل مصادیق بسیاری را جزو مؤلفه‌های هویت ملی قلمداد کرده‌اند. همچنین ذکر مؤلفه‌ها بدون در نظر گرفتن منبع خاص و با توجه به نظر شخصی یا در نهایت استفاده از نظرات استادان راهنما و مشاور در اکثر پایان‌نامه‌های مورد بحث از ضعف‌های اساسی در پژوهش‌های یاد شده، است. نکته جالب توجه این است که تعداد کل مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در پایان‌نامه‌ها شامل ۳۸ مؤلفه است. از این میان ۱۳ مورد، از ۱۳ بار تا ۳ بار تکرار شده و ۲۵ مورد تنها ۱ یا ۲ بار تکرار شده است. این طیف گسترده و ناهم‌خوان نشان از عدم توافق در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی دارد که نیازمند تأمل بیشتر و چاره‌اندیشی دقیق‌تری است.

این مورد در مورد کتاب‌ها نیز صادق است. زیرا تعداد کل مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در کتاب‌ها شامل ۴۸ مؤلفه است. از این میان ۱۴ مورد، از ۱۱ تا ۴ بار تکرار شده و ۳۴ مورد تنها ۱ بار تکرار شده است. این نتایج چه در مورد پایان‌نامه‌ها و چه در مورد کتاب‌ها نشان از طیف وسیعی از مؤلفه‌ها دارد که هرکس بنا به زاویه فکری خود بدان رسیده است. در نتیجه رسیدن به یک اجماع و عدم پراکندگی در مورد مؤلفه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

اما در مبحث تحلیل محتواها در زمینه هویت ملی باید اذعان داشت که با وجود برخی کم و کاستی‌ها و اشکالات، نمی‌توان ضعف هویت ملی را در برنامه‌های درسی حتی با وجود در نظر گرفتن مؤلفه‌های متفاوت نادیده گرفت. زیرا از یک سو بالاخره همه مؤلفه‌ها نادرست نیستند و از سوی دیگر همان گونه که مشاهده شد با وجود این که در مقطع دبستان ۲ بار توسط شکری خانقاه (۱۳۷۹) و شکیباییان (۱۳۸۳)، در مقطع راهنمایی ۳ بار توسط حکمت دوست (۱۳۸۸)، کمالی کارسالاری (۱۳۸۶) و نوشادی (۱۳۸۶) و در مقطع دبیرستان نیز ۳ بار توسط بهارلو (۱۳۸۷)؛ صادق زاده (۱۳۸۶) و علیرضایی (۱۳۸۵) تحلیل محتوا شده است (هر چند با وجود شباهت در برخی مؤلفه‌ها و تفاوت در برخی دیگر)، همگی بر عدم جایگاه مناسب هویت ملی در

برنامه‌های درسی اصرار داشتند. در مجموع این نتایج به تأملی عمیق و اندیشه‌ای چاره ساز محتاج‌اند. بنابراین نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که نباید همه مؤلفه‌های هویت ملی را برای هر درسی جداگانه تحلیل محتوا نمود. زیرا به نظر محقق، هر یک از درس‌ها به تنهایی توان پرداختن به همه مؤلفه‌های هویت ملی را ندارند و تنها می‌توانند بخشی از آن را تحت پوشش خود قرار دهند. بدین منظور باید برای هر یک از دروس مؤلفه‌های مرتبط‌تر را در نظر گرفت و جزو اهداف آن درس منظور نمود تا در موقع سنجش هویت ملی فقط به تحلیل آن مؤلفه‌ها پرداخت. البته همان طور که شمشیری (۱۳۸۷) بیان می‌کند «ارتباط هویت ملی با موضوعات مربوط به قلمروی تعلیم و تربیت، بسیار جدید بوده، لذا چنان که باید و شاید مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار نگرفته است». هنوز برای تحقیق و تفحص در این مباحث، موضوعات بسیار است، که برای روشن سازی ابهامات آن نیازمند افکار خلاق، منتقد و مصمم است تا در جهت تکمیل این موضوع که به نوعی مرتبط با تمامی مردمان ایران زمین در هر رشته و هر شغل و هر مکان و هر شرایط زندگی که هستند، قدم برداشته شود. در آخر باید اذعان داشت که بنا به ماهیت هویت ملی، تحلیل محتواهای انجام شده در این زمینه در برنامه‌های درسی باید با رعایت قواعد بین رشته‌ای انجام شود و محقق با دیدی همه جانبه و کلی به موضوع بنگرد تا نتیجه مطلوب‌تری حاصل گردد.

منابع

ابوالقاسمی رودسری، فاطمه (۱۳۸۵). *هویت ایرانی در شاهنامه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ.

احمدلو، حبیب (۱۳۸۱). *بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.

احمدی، حمید (۱۳۸۳). *دین و ملیت در ایران: همیاری یا کشمکش*. در حمید احمدی (ویراستار). *ایران: هویت، ملیت، قومیت* (مجموعه مقالات). تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.

توافق و عدم توافق در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی و / \$

برجوردی، مهرزاد (۱۳۸۴). فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرزها. در مریم صنیع اجلال (ویراستار). صص ۵۲ - ۲۱. در آمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

بنایی، محسن (۱۳۸۱). جای پای اساطیر در کیستی ایرانیان. در امیر رضایی (ویراستار). خودکاوی ملی در عصر جهانی شدن (مجموعه مقالات). تهران: قصیده سرا.

بهارلو، منیره (۱۳۸۷). بررسی جایگاه هویت ملی در کتاب‌های درسی رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

پیروز، غلامرضا (۱۳۸۶). شعوبیگری؛ الگوی تعادل هویتی در ایران. در زهرا حیاتی (ویراستار). از هویت ایرانی: سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳). هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. در داود میر محمدی (ویراستار)، گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، صص ۳۱۲ - ۲۹۹، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

ترابی، محمد (۱۳۷۸). گفتارهایی پیرامون هویت ملی ایرانی. مجله سیاست خارجی. سال ۱۳، شماره ۲. توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳). هویت‌های جمعی و جهانی شدن. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۲۶ - ۱.

ثاقب فر، مرتضی (۱۳۸۳). ایران باستان و هویت ایرانی. در حمید احمدی (ویراستار). ایران: هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات). تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی. چگنی، روح الله (۱۳۸۶). جهانی شدن و تحول در هویت ملی (بررسی موردی ایران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی). دانشکده علوم سیاسی.

حاجبانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۵.

حکمت دوست، زهرا (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتب ادبیات فارسی دوره راهنمایی از منظر هویت ملی با استفاده

احمدی، حمید (۱۳۸۳). هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ. در مریم صنیع اجلال (ویراستار). صص ۵۲ - ۲۱. در آمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

احمدی، حمید (۱۳۸۳). هویت ملی ایرانی؛ ویژگی‌ها و عوامل پویایی آن. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۲۱۲ - ۱۸۹. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

احمدی، حمید (۱۳۸۳). ایران: هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات). تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی. اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ. ترجمه منصور انصاری. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

افروغ، عماد (۱۳۸۰). چالش‌های کنونی ایران. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

افروغ، عماد (۱۳۸۰). هویت ایرانی. تهران: بقیه. ایمانی نائینی، محسن (۱۳۸۶). جایگاه و نقش تعلیم و تربیت در تحقق هویت ملی. در زهرا حیاتی (ویراستار). صص ۴۵۴ - ۴۴۳. از هویت ایرانی: سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

آقازاده، حسین (۱۳۷۷). بررسی هویت جمعی در دو زمینه هویت جمعی ملی - محلی و هویت جمعی دانشجویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم اجتماعی.

باتمانی، لیلا (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان احساس عدالت توزیعی و هویت ملی در بین جوانان ۲۹ - ۱۸ سال شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

بهری، لطفعلی (۱۳۸۷). بررسی نگرش زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی استان اردبیل سال تحصیلی ۸۶ - ۸۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده زبان و ادبیات خارجی.

بخشی، جواد (۱۳۸۶). بررسی متغیرهای جامعه شناختی مؤثر بر گرایش جوانان شهر رودسر به هویت ملی. پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی). دانشکده علوم اجتماعی.

زاهد، سعید (۱۳۸۴). *هویت ملی ایرانیان*. فصلنامه پژوهشی مؤسسه فرهنگی یاس. شماره چهارم. صص ۱۳۸ - ۱۲۹.

زهیری، علیرضا (۱۳۸۱). *انقلاب اسلامی و هویت ملی*. قم: زلال کوثر.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: آگاه.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۷۷). *اهداف کلی و آموزشی مقاطع سه گانه آموزش و پرورش*. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۸ از:

http://www.sce.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=46%3A--catid=23&Itemid=6&lang=fa

سختوتی فر، نورمحمد (۱۳۸۶). *بررسی رابطه بین هویت ملی و قومی ترکمن‌ها در استان گلستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی.

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). *رازدانی و روشنفکری و دینداری*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

سریع القلم، محمود (۱۳۸۳). *متدولوژی فهم هویت ملی*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۴۲ - ۲۹. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

سلیمی، حسین (۱۳۸۶). *نگرش سازه انگارانه به هویت ملی در ایران*. فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم. شماره ۱. صص ۵۳ - ۳۱.

سید امامی، کاووس (۱۳۸۳). *نقش ادبیات فارسی در شکل‌گیری هویت ملی در ایران*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۱۷۰ - ۱۶۱. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

شایگان، سیاوش (۱۳۸۷). *مجله رشد آموزش جغرافیا*. دوره بیست و سوم. شماره ۱.

شریعتی، علی (۱۳۸۷). *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*. تهران: الهام، مؤسسه فرهنگی بنیاد فرهنگی علی شریعتی مزینانی.

شریعتی، احسان (۱۳۸۱). *درباره هویت ملی*. در امیر رضایی (ویراستار). خودکاوای ملی در عصر جهانی شدن

از روش آنتروپی شانون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

خوی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۳). *تعریف برنامه درسی*. در محمود مهرمحمدی (ویراستار). صص ۳۹ - ۱۹. برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازه‌ها. مشهد: آستان قدس رضوی.

داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۴). *برنامه‌ریزی زبان و هوشیاری زبانی با نگاهی به ایران*. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ربانی، جعفر (۱۳۸۱). *هویت ملی*. تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

ربانی، جعفر (۱۳۸۲). *برنامه‌های درسی و شکل‌گیری هویت*. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد. جلد چهارم. شماره ۱. صص ۶۷۰ - ۶۵۷.

رجایی، فرهنگ (۱۳۸۵). *مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن، چند فرهنگ*. تهران: نشرنی.

رضایی، امیر (۱۳۸۱). *خودکاوای ملی در عصر جهانی شدن (مجموعه مقالات)*. تهران: قصیده سرا.

رواسانی، شاپور (۱۳۸۵). *زمینه‌های اجتماعی هویت ملی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

رواسانی، شاپور (۱۳۸۳). *تعامل فرهنگ و هویت ملی*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۱۴۹ - ۱۰۹. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

روح الامینی، محمود (۱۳۸۳). *مفهوم شناسی هویت ملی*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۲۸ - ۱۹. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

روستا، زهرا (۱۳۸۶). *تلاش برای حفظ و صیانت از هویت ملی در دهه ۴۰ و ۵۰ (ه.ش) از نظر نخبگان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی). دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی.

رهباب، حسین (۱۳۸۱). *ماهیت، موانع و امکانات نوسازی هویت ایرانی*. در امیر رضایی (ویراستار). خودکاوای ملی در عصر جهانی شدن (مجموعه مقالات). با همکاری بنیاد شریعتی. تهران: قصیده سرا.

توافق و عدم توافق در زمینه مؤلفه‌های هویت ملی و §§/

علائی، بهلول (۱۳۸۳). *موانع اجتماعی - فرهنگی، کاربرد زبان فارسی به عنوان زبان آموزشی در مناطق ترک زبان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.

علیرضایی، مریم (۱۳۸۵). *جایگاه هویت ملی و دینی در کتب درسی دوره متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند. دانشکده علوم انسانی.

غفوری کله، معصومه (۱۳۸۴). *بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س). دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

قادری، حاتم (۱۳۸۳). *عوامل و عناصر هویت ساز در عصر ارتباطات*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۸۸ - ۷۱. درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

قادری، حاتم (۱۳۸۶). *سویه‌های هویت*. تهران: شیرازه.

قرخلو، مهدی (۱۳۸۴). *حوزه جغرافیایی فرهنگ و تمدن ایرانی*. در مریم صنیع اجلال (ویراستار). صص ۶۶ - ۵۳. درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

قیسوندی، آرمان (۱۳۸۳). *تأثیرات جهانی شدن بر هویت ملی ایرانیان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده جغرافیا.

قیصری، نوراله (۱۳۸۳). *هویت ملی؛ مؤلفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۱۰۸ - ۸۹. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

قورچیان، نادر قلی و تن ساز، فروغ (۱۳۷۴). *سیمای روند تحولات برنامه درسی به عنوان یک رشته تخصصی از جهان باستان تا جهان امروز*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

کاوایی راد، مراد (۱۳۸۵). *تأثیر جهانی شدن بر علائق ملی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.

کمالی کارسالاری، نعمت اله (۱۳۸۶). *تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب دوره آموزش راهنمایی*.

(مجموعه مقالات). با همکاری بنیاد شریعتی. تهران: قصیده سرا.

شکری خانقاه، حمید (۱۳۷۹). *نقش محتوای کتاب‌های درسی دوره تحصیلی ابتدایی در اعتلای هویت ملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی (واحد رودهن). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۳). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*. مشهد: آستان قدس رضوی.

شمشیری، بابک (۱۳۸۷). *درآمدی بر هویت ملی*. شیراز: نوید شیراز.

شکیبائیان، طناز (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی در شکل دهی به هویت ملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی.

شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). *ناسیونالیسم و هویت ایرانی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

صادق زاده، رقیه (۱۳۸۶). *بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و ادبیات فارسی دوره متوسطه رشته علوم انسانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

صالحی عمران، ابراهیم و شکیبائیان، طناز (۱۳۸۶). *مطالعات ملی*. بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی. سال هشتم، شماره ۱. پیاپی ۲۹.

صدر، ضیا (۱۳۷۷). *کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان*. تهران: اندیشه نو.

صنیع اجلال، مریم (۱۳۸۴). *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

طالبی، سکینه (۱۳۷۸). *تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.

عابدی، احمد؛ عریضی حمیدرضا و فاطمه محمدزاده (۱۳۸۵). *درآمدی بر روش پژوهش فراتحلیل در تحقیقات آموزشی*. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴۹.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳). *هویت ملی؛ رویکرد انتزاعی به خرده هویت‌ها*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۷۰ - ۴۳. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی. ملاصادقی، منیره (۱۳۷۸). *نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.

میرزابیگی، حسین (۱۳۸۳). *بستر جغرافیایی حکومت در ایران با تأکید بر هویت ایرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی).

میرمحمدی، داود (۱۳۸۳). *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

میرمحمدی، داود (۱۳۷۳). *مطالعه و بررسی مولفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ و نسبت و رابطه آن با هویت فرهنگ ملی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.

نصری، قدیر (۱۳۸۶). *مبانی هویت ایرانی*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی انتشارات تمدن ایرانی.

نوشادی، محمودرضا (۱۳۸۶). *بررسی چگونگی طرح هویت ملی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز. دانشکده علوم اجتماعی.

هرمیداس باوند، داود (۱۳۸۳). *همزیستی، تساهل و سازگاری نژادی و زبانی؛ عناصر سه گانه هویت ملی*. در داود میرمحمدی (ویراستار). صص ۲۵۶ - ۲۴۵. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷). *اصول برنامه ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

کچوئیان، حسین (۱۳۸۳). *پژوهش هویت ایرانی و مولفه‌های آن*. شورای عالی انقلاب فرهنگی. دبیرخانه شورای اجتماعی.

گودرزی، حسین (۱۳۸۴). *زبان و هویت*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

گودرزی، حسین (۱۳۸۵). *گفتارهایی درباره انقلاب مشروطیت و هویت ملی در ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

گودرزی، حسین (۱۳۸۵). *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

لقمان نیا، مهدی (۱۳۸۸). *شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس روش بنیاد بخشی نظریه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بیرجند. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

لقمان نیا، مهدی و خامسان، احمد (۱۳۸۹). *جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره سوم. شماره ۲. صص ۱۷۱ - ۱۴۷.

لقمان نیا، مهدی، خامسان، احمد، آیتی، محسن و خلیفه، مجتبی (۱۳۹۰). *شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس روش داده بنیاد*. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. سال دهم. شماره ۴۰. صص ۵۶ - ۳۳.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۵). *دموکراسی و هویت ایرانی: بحثی در ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی ایران و ایران شناسی*. تهران: کویر.

محسنی، نیک چهره (۱۳۸۳). *نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد*. تهران: پردیس.

مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۵). *هویت ایرانی و زبان فارسی*. تهران: باغ آدینه.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: صدرا.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳). *هویت، تاریخ و روایت در ایران*. در حمید احمدی (ویراستار). ایران: هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات). تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.

Kim, H. J. (2004). National identity in korean curriculum. *Canadian Social Studies*, 38(3), 74-9.

Miler, D. (1995). *On Nationality*. UK: Clarendon Press.

Poole, R. (2003). National identity and citizenship. In Linda, Martin Alcoff and Eduardo Mendieta (Eds), *Identities*. UK: Black Well Publishing.

Parmenter, L. (1999). Constructing national identity in a changing world: Perspectives in Japanese education. *British Journal of Sociology of Education*, 20(4), 453-463.

Phuntsog, N. (1994). Renewal of Tibetan scholl curriculum in exile. A Tibetan- centric approach. Reports descriptive. Online available from ERIC (ED383617), retrieved 15/11/2009.